



سینما مُردنی نیست

علی کلانتری ■ دی و بهمن، هر سال برای سینمایی‌ها و علاقمندان به هنر هفتم، ماه‌های پر التهاب و پر جنب و جوشی است. ثبت نام برای حضور در کاخ جشنواره، برنامه‌ریزی برای پوشش هر چه بهتر جشنواره فیلم فجر، کنجکاوی برای حدس فیلم‌های منتخب در بخش اصلی جشنواره و حواشی این فستیوال از مواردی است که سینمایی‌ها، خصوصا رسانه‌ای‌ها و جامعه منتقدان در این دو ماه بیش از مابقی ماه‌های سال آن را با جان و دل می‌خرند و سعی می‌کنند در این حال و هوا نفس بکشند. از خدا پنهان نیست از خلق خدا هم پنهان نمی‌ماند، هنر هفتم برای رسانه‌ای‌ها و منتقد جماعت آنچنان نان و آبی ندارد و اگر عشق به این موضوع نباشد، قطعاً حتی یک تانیه ماندن در این فضا و زیست در آن برای این جماعت به شدت سخت می‌شود. عشق و علاقه است که ساعت‌ها ماندن در کاخ جشنواره و نشستن بر روی صندلی‌های سالن و چشم دوختن به پرده نقره‌ای را سهل و آسان و در عین لذت بخش می‌کند.

منتقد جماعت در روزهای جشنواره خواب و خوراک ندارد، بسته به ساعت شروع اکران فیلم‌ها ممکن است تا پایان اکران یک روز، بیش از هشت ساعت یک جا بنشینند، در تاریکی نَت برداری کند و در کمتر از چند دقیقه از چهار فیلم برداشت‌هایش را روی کاغذ بیاورد و یا به سرعت تایپ کند تا شاید مطلب آن زودتر از مابقی همکاران در روزنامه‌های، خبرگزاری‌ها یا فضای مجازی دیده شود. مشقت دارد، شاید در نگاه اول عده‌ای کار را ساده ببینند ولی باید توجه داشته باشیم که کار در هر حوزه‌ای سختی‌های خودش را دارد و روحیه مناسب را می‌طلبد. کار رسانه‌ای در روزهای جشنواره به اوج خود می‌رسد و علاقمندان به این حوزه از ابتدای سال برای ۱۰ روز یعنی از ۱۲ تا ۲۲ بهمن مساه برنامه‌ریزی می‌کنند که علاوه بر حضور در کاخ جشنواره، کار سال قبل خود را در سال جاری بهبود بخشند و در تقویم شخصی خود عملکرد بهتری را از خود ثبت کنند و به یادگار بگذارند. باید اضافه کنیم که جشنواره فیلم فجر در سه سال اخیر افت محسوسی داشته و همین افت باعث شده که بسیاری از رسانه‌ای‌ها دل به کار ندهند و به نوعی در حال و هوای جشنواره نباشند اما چندین بار در محافل گوناگون و در مדיوم‌های مختلف گفته‌ایم که جشنواره فجر و سینما از آن سینماگران، رسانه‌ای‌ها و منتقدان است و شانه خالی کردن از این مسئولیت نه تنها نمی‌تواند چاره ساز برخی مشکلات باشد بلکه سینما و هنر هفتم را به سمت ولنگاری اساسی سوق می‌دهد. خاطرهم هست جشنواره فجر ۱۴۰۱ بعد از ناآرامی‌ها یکی از بدترین تجربیات بنده در حدود بیش از ۱۲ سال حضور در جشنواره‌های فیلم فجر بود. علاوه بر اینکه فیلم‌ها به شدت ضعیف و بی محتوا بود، جو جشنواره هم به شدت منفی و غیر قابل تحمل بود. اکثر منتقدان و رسانه‌ای‌ها حضور نداشتند و تصمیم گرفته بودند که جشنواره را تحریم کنند و نباشند تا اعتراض خود

را نشان دهند اما در همان روزها با اینکه اکثر دوستان توصیه کرده بودند که بنده هم جشنواره را تحریم کنم و حضور نداشته باشم، با این وجود حضور یافتم به دلیل عشق به سینما نه چیز دیگر! سینما تحریم شدنی نیست، سینما زندگی بر روی پرده نقره‌ای است که به معشوقش جان می‌دهد و او را به زندگی امیدوار می‌کند. در آن روزها با هزاران همجه روبرو بودم و در فضای نه چندان مطلوب جشنواره نفس کشیدم و نه تنها از این بابت ناراحت نبودم بلکه از کسانی که شانه خالی کرده بودند و به جشنواره نیامده بودند به شدت دلگیر شدم. نشست‌های خبری یکی پس از دیگری لغو می‌شد، تا چشم کار می‌کرد خبری از چهره شناخته شده‌ای نبود و فیلم‌ها بدتر از هر سال بود ولی باز هم جشنواره فیلم فجر برگزار شد، جشنواره‌ای که حضور سینمایی‌ها در آن الزامی است، برای این که جشنواره از آن سینمایی‌هاست و باید برای ارتقای آن بکوشند نه اینکه آن را به حال خود رها کنند.

رسال‌های بعد کمی اوضاع بهتر شد و دوباره کسانی که قهر کرده بودند کم کم در گوشه و کنار کاخ جشنواره دیده شدند، سال پیش با سال بعدش چه فرقی کرده بود؟ هیچ اتفاقی نیفتاد ولی دوباره همه برگشتند چون اعتقاد داشتند و دارند که باید سینمای عزیزمان را سر پا نگه داریم. سال قبل یعنی جشنواره ۱۴۰۲، تفاوت زمین تا آسمان شد، اکثر سلبریتی‌ها آمدند، کارگردان‌های بزرگی فرم جشنواره را پر کردند و فیلم‌های خوبی به نمایش

گذاشته شد، دوباره خون در رگ‌های جشنواره به جریان افتاد و شاهد آن جنب و جوش همیشگی در سالن‌های برج میلاد بودیم و حقیقتاً هیچ جمله‌ای نمی‌تواند لذت آن ۱۰ روز را برای علاقمندان به سینما توصیف کند، وصف ناشدنی است. امروز که این مطلب را می‌نویسم سراغ معنای خاص یا انتقال مفهومی نیستم، صرفاً به اشتراک گذاشتن این خاطرات شاید جرقه‌ای باشد برای کسانی که امسال هم قصد دارند در جشنواره قهر باشند و سینما را به حال خودش بگذارند اما اشتباه می‌کنند، خودشان را به حال خود رها کرده‌اند، سینمای امروز ما با سینمای حداقل ۱۰ سال پیش تا دیرتر خیلی تفاوت دارد، سینمای امروز ما به دردهای مبتلاست که باید هرچه زودتر درمان شود. سینمای بیمار فریادرس می‌خواهد، فریادرسی که در صحنه حضور داشته باشد و خوبی و بدی آن را گوشزد کند تا دوباره بتواند سرپا شود. یک ماه دیگر فرصت باقی است و امثال من در دل شوق و ذوقی داریم برای شروع جشنواره فیلم فجر، امید دارم که امسال از سال گذشته نیز جشنواره پر فروغ تر باشد و به زمانی نزدیک شسیم که اهالی کاخ جشنواره برای دیدن یک فیلم صف‌های چند صدمتری ایجاد می‌کردند و یک خبرنگارها برای نشست خبری و گرفتن عکس از عوامل با خبرنگار دیگر به بحث و جدل می‌پرداختند. آدمی به امید زنده است و این رویا برای سینما دست یافتنی است!

که همان قرآن و سنت است قلمداد می‌نمایند و عقل اجماع را با تطبیق وحی می‌دانند.

راهبرد مقاومت در اندیشه سردار سلیمانی

راهبرد مقاومت در اندیشه سیاسی اسلام یک امر مهم برای ترویج شعائر انقلابی در مقابل شعاير طاغوتی و شیطانى است. اگر به راهبرد مقاومت در غرب آسیا نیم نگاه اجمالی داشته باشیم، کنشگران اصلی بین الملل علی‌الخصوص آمریکا و همپیمانان همیشگی آنها از جمله انگلیس، فرانسه و آلمان و ... با همراهی برخی از دول عربی در منطقه غرب آسیا به دنبال خاورمیانه جدید نزاع‌ها و به وجود آوردن تروریست‌هایی همچون القاعده، داعش، جبهه النصره و ... برای پیشبرد و راهبرد تسلط بر این منطقه فراهم ساختند. از جمله این اقدامات می‌توان به انقلاب‌های رنگی یا بهار عربی و ... اشاره کرد که با ادعای برقراری دموکراسی به دنبال تغییر حاکمیت‌های دیکتاتوری های منطقه غرب آسیا از مراکش، مصر، تونس به دنبال آن بوده‌اند. اما رویکرد دیگر آن تقویت گروه‌های مسلحی مثل داعش، القاعده و ... در برخی از کشورها از جمله در سوریه عراق و ... بوده است که بواسطه آنها درصدد بودند تجزیه طلبی برخی از کشورها و ایجاد حاکمیت‌های دست نشانده در این کشورها را اجرایی سازند. آنها با این طراحی‌ها می‌خواستند تا منطقه غرب آسیا را آشوب زده و دچار بحران اساسی نمایند که راهبرد مقاومت در مقابل این رفتار غرب یک نگاه موازنه سازی و عدم تحقق خاورمیانه بزرگ یا خاورمیانه جدید به نفع غرب شکل گرفت. بلوک مقاومت شامل ایران، عراق، سوریه، و... پشتیبانی‌های روسیه مانع از تحقق این راهبرد گردید. در این میان در پیشبرد اهداف راهبردی مقاومت سردار شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی نقشی تعیین کننده در تداوم بخشی و انسجام محور مقاومت بر عهده داشتند. به تعبیری، حاج قاسم سلیمانی خود یک ملت و یک جهان بود است که بر اساس آن، ملت ایران از ماهیت درونی خویش یعنی انقلاب اسلامی حمایت و حراست نمودند. این همان اندیشه ناب امامین انقلاب اسلامی است که انقلاب اسلامی را در حاکمیت ملت و حاکمیت فقه الهی

رئیس فرهنگستان هنر:

اربعین، تجلی رئالیسم شهودی است

رئالیسم شهودی در هنر ایرانی اسلامی

شاه‌حسینی با اشاره به تفاوت‌های بنیادین میان هنر ایرانی اسلامی و هنر یونانی اظهار کرد: «هنر ایرانی اسلامی جنسی از رئالیسم شهودی دارد، که نمونه بارز آن در راهپیمایی اربعین مشهود است. میلیون‌ها نفر در یک مسیر معنوی حرکت می‌کنند و جهانی خلق می‌شود که می‌توان آن را «رئالیسم شهودی» نامید. منشأ این تخیل در هنر ایرانی اسلامی، خیال رحمانی و وحی است، در حالی که هنر یونانی از این مفاهیم بی‌بهره است.» وی افزود: «در هنر ایرانی اسلامی، فضایل ترویج و ردایل درمان می‌شوند، اما در

هنر برگرفته از میراث یونانی، گاه این رویکرد معکوس است. این تفاوت، به‌ویژه در عمق معنوی و تربیتی هنر ایرانی اسلامی قابل مشاهده است.»

پیوند هنر ایرانی اسلامی با منطق رضوی

رئیس فرهنگستان هنر در ادامه با اشاره به جایگاه امام رضا (ع) در شکل‌گیری هنر ایرانی اسلامی گفت: «اگر ایران امروز به‌عنوان یک کشور باقی مانده است، این ماندگاری از برکت سفر امام رضا (ع) به مشهد است. این رویداد تاریخی، نقطه آغاز ظهور هنرمندان مسلمان شیعه بود که در دوره صفویان به اوج خود رسید. هنر ایرانی اسلامی بدون درک منطق رضوی قابل بررسی نیست.» شاه‌حسینی در پایان تأکید کرد: «هنر اسلامی نه‌تنها بازتاب ایمان و توحید است، بلکه به‌عنوان یک ابزار معرفتی و تربیتی، جامعه را به سمت معنویت و فضایل هدایت می‌کند.»

دی ماه و بصیرت‌های همیشه ماندگار



حبیب‌الله گل محمدی
رئیس مرکز فرهنگی دانشگاهی امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی

تاریخ انقلاب اسلامی در دی ماه ثبت‌کننده رخداد‌هایی مهم و تاریخ‌سازی است که اثرات آنها برای سده‌های پس از آن وقایع نیز با برجاست. از ۳ دی تا ۱۹ دی، ۱۳ آذین مهم رخ داده است. ۹ دی ماه روز خروش ملت ایران برای کنار گذاشتن فتنه‌ای است که در سال ۱۳۸۸ مجموعه جریانات بیرونی و داخلی علیه نظام و کشور طراحی کرده بودند. در آن روز با حضور مردم در دفاع از «حاکمیت مردم» و «حاکمیت الهی» که دو رکن اساسی انقلاب اسلامی در نظام جمهوری اسلامی به شمار می‌آید، این فتنه را خنثی کرد.

۹ دی در حالی رقم خورد که فتنه‌گران داخلی با هدایت‌گری جریان غرب گرا به دنبال القای تقلب در انتخابات بودند تا به زعم خویش با اتهام زنی بزرگ در نظام جمهوری اسلامی ایران حاکمیت مردم و حاکمیت الهی در نظام اسلامی را زیر سوال ببرند تا هویت ملی را دستخوش تغییرات اساسی ساخته و در نهایت وابسته به غرب سازند، باید بر این نکته اذعان داشت که این اتفاق از سمت و سوی کسانی صورت پذیرفت که انتظاری به این عناصر به ظاهر انقلابی نمی‌رفت. البته تاریخ گواه دانستان‌ها زیادی با چنین سوابقی است. این صدر اسلام نیز طلحه و زبیر و ... همین فتنه‌گری‌ها را در انشقاق و انشعاب ایجاد کردند. تاریخ از این گونه رفتارها بسیار به خود دیده که افرادی با پیشینه‌ای به ظاهر انقلابی وقتی که در استتعالی خود قرار گرفته به دست طغیانگری و امیال و آرزوهای قدرت محوری، خود را در ایجاد شکاف بین جامعه و تسلط بر قدرت دیدند.

رئیس فرهنگستان هنر، در نخستین همایش ملی هنر در منظر اندیشه اسلامی، با تأکید بر ضرورت یونان‌زدایی از هنر ایرانی اسلامی، راهپیمایی اربعین را نماد رئالیسم شهودی در هنر دانست و هنر ایرانی اسلامی را تجلی ایمان، وحی و منطق رضوی معرفی کرد.

مجید شاه‌حسینی در نخستین همایش ملی هنر در منظر اندیشه اسلامی و اندیشمندان مسلمان که در فرهنگستان هنر برگزار شد، بر ضرورت یونان‌زدایی از هنر ایرانی اسلامی تأکید کرد. او هنر اسلامی را ابزاری برای ترویج فضایل، درمان زدایی، و راهی برای بازتاب ایمان و توحید دانست. وی با تأکید بر تمایز هنر اسلامی از سایر مکاتب هنری گفت: «هنر اسلامی با نگرش به جهان به‌عنوان محصول یک تجلی الهی شکل می‌گیرد و هنرمند مسلمان در تلاش برای کشف و انعکاس جنبه‌های مختلف این تجلی است. در مقابل، هنر با نگرش یونانی، به‌ویژه پس از رنسانس، گاهی به شکل و مادی‌گرایی منجر می‌شود. از این‌رو، یونان‌زدایی از ساحات هنر ایرانی اسلامی یک ضرورت است.»